

## بررسی تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری نامی اصفهانی در تاریخ گیتی‌گشا

فاطمه فلامرزی<sup>۱</sup>

### چکیده

بررسی و پژوهش در باب سنت‌ها و عناصر حاکم بر تاریخ‌نگاری ایرانی و تبیین تحول و یا استمرار این عناصر امری دشوار است که کمتر به آن توجه شده است. تاریخ‌نگاری دوره زندیه و به طور خاص کتاب تاریخ گیتی‌گشا از جمله همین موارد مغفول در حوزه تاریخ می‌باشد. تاریخ گیتی‌گشا تألیف میرزا محمدصادق موسوی اصفهانی متخلص به نامی، مورخ نیمه دوم قرن دوازدهم هجری از جمله منابع محدود دوره زندیه است که نویسنده موفق به اتمام آن نشد و میرزا عبد‌الکریم بن علی‌رضا شریف شیرازی، شاگرد وی اتمام کتاب را برعهده گرفت. این نوشتار با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی، ضمن مروری بر احوال نویسنده می‌کوشد به سبک و سیاق کار میرزا محمد صادق نامی اصفهانی، روش تاریخ‌نگاری و بینش تاریخی او بپردازد.

**کلیدواژه‌ها:** زندیه، تاریخ‌نگاری، میرزا محمدصادق نامی اصفهانی، تاریخ گیتی‌گشا

---

<sup>۱</sup>. دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ اسلام دانشگاه تربیت مدرس

## مقدمه

تاریخ‌نگاری هر قوم و ملتی بازتابی از نگرش نوع تفکر آن قوم و ملت به جهان، انسان و جامعه پیرامونی او است. در واقع تاریخ‌نگاری را می‌توان انعکاس بیش و نگرش اجتماعی و فرهنگی جامعه‌ای که این دانش در آن پدید آمده است، دانست (فی، ۱۳۸۳: ۲۱۴-۲۱۷). در این راستا روش هر تاریخ‌نگار مطابق بینشی است که به جهان و جامعه خود دارد. با وجود سنت دیرینه تاریخ‌نویسی در ایران، غفلت از مبانی نظری در میان اهل تاریخ دامنه گسترده‌ای دارد (مفتخری، ۱۳۹۰: ۴).

تاریخ‌نگاری خصوصاً در قالب سنتی آن چندان روی خوشی به مباحث نظری ندارد و رابطه دوپهلوی و پیچیده میان تاریخ و فلسفه ناشی از تناقض ریشه‌ای میان قریحه فیلسوف و مورخ است (ساماران، ۱۳۷۰: ۵۶ به نقل از مفتخری، ۱۳۹۰: ۳-۴). آنچه شور و شوق عامه، امروز از تاریخ طلب می‌کند فقط شناخت گذشته نیست، بلکه تاریخ‌نگاری معنا و هدف گذشته و آینده نیز هست. همین نکته است که فلسفه تاریخ را به رغم اعتراض‌هایی که بر امکان آن هست توجیه می‌کند (زرین‌کوب، ۱۳۸۸: ۱۹۸). به عبارتی دیگر آنچه در تاریخ دارای اهمیت است، شناخت اندیشه‌ای است که در پس رویداد تاریخی نهفته است، در واقع شناخت منظری که مورخ از فراسوی آن، رویداد و حادثه تاریخی را دیده، فهم کرده و به قلم درآورده است (آقاجری و... همکاران، ۱۳۸۰: ۹۴). بنابراین درک اندیشه تاریخ‌نگارانه مورخ از وقایع، برای شناخت رویدادهای تاریخی ضروری و قابل توجه می‌باشد.

کریم‌خان زند پس از یکسری ناآرامی‌های داخلی در سال ۱۲۰۹-۱۱۶۳ق. به قدرت رسید. تشکیل دولت زندیه همزمان با تغییرات بنیادینی در جهان غرب بود و تأثیر این تغییرات را در سیاست خارجی دولت زندیه می‌توان مشاهده کرد، اما با وجود تغییرات سیاسی که پیش آمد، فرهنگ و تمدن ایران دوره زندیه همچنان میراث‌دار فرهنگ عصر صفویان بود. از جمله علل این امر را می‌توان در قدرت و نفوذ فرهنگ و تمدن عصر صفوی به دلیل مدت زمان طولانی

حاکمیتشان و همچنین حکومت کوتاه مدت افشاریان و فرصت نیافتن برای ایجاد تغییراتی بنیادین در امور دیوانی دانست. به هر حال شیوه دیوانسالاری و در راستای آن تاریخ‌نگاری دوره زندیه با وجود تفاوت‌هایی که خاندان زندیه با صفویان داشتند، در ادامه و هم جهت با دیوانسالاری صفویان بود.

مسأله اساسی در این پژوهش، تاریخ‌نگاری و بینش و روش و سبک نامی و نوع نگاه او در وقوع حوادث تاریخی است.

### زندگی‌نامه میرزا محمدصادق نامی اصفهانی

**اصل و نسب:** میرزا محمدصادق نامی اصفهانی از سادات موسوی و از نویسندگان و شاعران دوره افشاریه و زندیه بود که مدت‌ها در خدمت سلاطین صفوی نیز به سر برده است. وی برادرزاده‌ی میرزا محمد رحیم، پزشک سلطان صفوی و از جمله‌ی منشیان شاه بود. لطفعلی بیگ آذر (متوفی ۱۱۹۶ق) که از دوستان نامی بوده است، در تذکره آتشکده می‌نویسد:

«نامش میرزا محمدصادق از اعظام سادات موسوی بود؛ اجدادش نزدیک به یکصد و پنجاه سال می‌شود که با دستور سلاطین صفویه از فارس به اصفهان آمده، به طبابت سرکار سلاطین مشغول بوده. خلاصه حضرتش برادرزاده‌ی میرزا رحیم حکیم باشی و در جوانی مشق انشا کرده. در نظم و نثر و فقهی حاصل و تاریخی در وقایع دولت زندیه می‌نویسد و در فن و نظم مثنوی مایل و مثنوی لیلی و مجنون، خسرو و شیرین و وامق و عذرا گفته و بعضی دیگر در نظر دارد» (بیگدلی، ۱۳۹۹: ۴۳۹ به نقل از مقدمه نفیسی).

عبدالرزاق بن نجف قلی دنبلی متخلص به مفتون در کتاب نگارستان دارا که در سال

۱۲۴۱ق. تألیف کرده است درباره نامی چنین می‌نویسد:

«نامی اسمش میرزا محمدصادق، از قدمای معاصرین، از سادات موسوی و ازسلسله میرزا رحیم حکیم باشی، وقایع نگار کریم خان زند بود. در زمان علیمرادخان به تنگدستی مبتلا شد و برای خرج یومیه‌ی خود معطل بود و عادت به خوردن افیون داشت، و عمری را به تلخکامی میگذراند. تا در اوایل دولت خاقان مغفور محمد شاه قاجار وداع جهان ناپایدار نمود» (دنبلی، ۱۳۴۲: ۲۷۱).

همچنین رضا قلی خان هدایت در کتاب *مجمع الفصحاح*، نوشته‌ی آذر بیگدلی در مورد نامی را عیناً تکرار کرده است.

یکی از مهم‌ترین منابعی که می‌توان از آن اطلاعاتی در باب اصل و نسب نامی اصفهانی به دست آورد، *فارسنامه* ناصری تألیف حاج میرزا حسن حسینی فسائی است که در فاصله سال‌های ۱۳۱۱-۱۳۰۰ق. نگاشته شده است. صاحب *فارسنامه* ذیل محله میدان شاه شهر شیراز در شمار اعیان و اشراف این محله از طایفه ملاباشی و جد بزرگ این طایفه یعنی حکیم سلمان، نام می‌برد. وی در ادامه می‌نویسد:

«حکیم سلمان بعد ازتحصیل کمالات، مسافرت‌ها نموده، خدمت بزرگان حکما و اطباء رسیده، در فنون طبابت علمیه و عملیه مشهور آفاق گردید و اعلیحضرت شاهنشاه زمان، شاه عباس اول، شهرت او را شنیده، از قصبه جهرم احضارش به دارالسلطنه اصفهان فرمود و بعد از ورود، معالجات غریبه عجیبه نموده، معتمد علیه امنای آن دولت گردید و به لقب جلیل حکیم باشی ممالک سرافراز آمده ...» (فسایی، ۱۳۶۷: ۱۹۰).

میرزا محمد صادق نامی از این خاندان بوده و طبق شجره نامه خاندان حکیم سلمان که نسخه‌ای از آن در دست دکتر حسین بحرالعلومی بوده است، نامی فرزند میرزا باقر و نوه میرزا

محمدرضا حکیم باشی و برادرزاده میرزا عبدالباقی طیب (حکیم باشی نادر و کلانتر اصفهان) است. از نامی علاوه بر کتاب تاریخ گیتی‌گشا، پنج مثنوی به تقلید از خمسه نظامی به نام‌های درج گهر، لیلی و مجنون، خسرو و شیرین، وامق و عذرا به جا مانده است و از مثنوی پنجم او با نام یوسف و زلیخا خبری نیست. وی مجموعه پنج مثنوی خود را نامه نامی نامیده است. همچنین از دیوان قصاید و غزلیات او جز دو بیت که در نگارستان داری آمده است چیزی به جا نمانده است.

به سینه دل زجفای تو خون شود چندانم  
 دل از امید وفای تو کاش می‌کندم  
 به سادگی نگر کز پی هزار خلاف  
 به وعده‌های دروغ تو باز خرسندم  
 (دنبلی، ۱۳۴۲: ۲۷۲)

همه منابع، تاریخ مرگ او را سال ۱۲۰۴ق. دانسته‌اند. در مقدمه وامق و عذرا آمده است: «در سال هزار و دویست و چهار از دست ساقی اجل شربت ناگوار هلاکت نوشید» (نامی، ۱۳۸۱: ۸). قاموس اعلام وفات او را در زمان نادرشاه افشار بیان کرده است (سامی، ۱۳۱۶: ۴۵۵۴). ظاهراً قاموس اعلام تنها منبعی است که در این مورد دچار خطا شده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تاریخ‌نگاری در عصر زندیه

منابع تاریخ‌نگاری عصر زندیه محدود و در تکرار و تداوم شیوه تاریخ‌نگاری عصر صفوی و افشاریه هست. هر چند که سنت تاریخ‌نگاری در دوره افشاریه نیز نوآوری و حرف تازه‌ای نداشت و ادامه دهنده تاریخ‌نگاری صفویان بود، تحول مهمی که در تاریخ‌نگاری دوره زندیه روی داد، جریان بازگشت ادبی بود که به شعر محدود می‌شد و نثر دوره زندیه از این تحول بی‌بهره ماند. محققان و مورخان ادبیات، غالباً از ادبیات دوره صفویه با عنوان انحطاط ادبی یاد می‌کنند. چنانکه گویی ادبیات این دوره در تمام ابعاد خود دچار رکود و ضعف مطلق بوده

است، این ادعا به نظر می‌رسد نیازمند بررسی و توجه بیشتری است. مسأله انحطاط به دو دسته تقسیم می‌شود: ۱- انحطاط در شعر، ۲- انحطاط در نثر.

از قرن هشتم هجری تا قرن سیزدهم که دوره انحطاط تاریخ‌نویسی است، سنجش تاریخی، نقد و ارزشیابی منابع و نتیجه‌گیری تاریخی نداریم. تنزل افق فکری در دوره صفوی و بعد از آن، تا حدی بود که با وجود توسعه‌ی مرادفات و مناسبات ایران و اروپا، کمترین اثری از نهضت علمی و فرهنگی مغرب (رنسانس) در ایران پیدا نشد و هیچ کس به عظمت جریان‌های علمی و اجتماعی دنیای غرب که در حال تکوین بود، پی نبرد (آدمیت، ۱۳۴۶: ۱۹).

استفاده از زبان عامیانه و مترادفات بیش از اندازه، تصنع و تکلف در سبک نویسندگان و شرح و حاشیه‌نویسی بر متون را از مظاهر انحطاط نثر فارسی می‌دانند (آیدین، ۱۳۸۵: ۳۴).

موضوع تاریخ از نظر اکثریت مورخان این دوره عبارت از وقایع سیاسی و نظامی بر محوریت شاه و سلطنت و تبیین آن وقایع در قالب یک پیش‌مذهبی و صوفیانه بود و حداقل توجه را نسبت به مباحث اجتماعی و اقتصادی داشتند (آرام، ۱۳۸۶: ۲۲۷). این روند و ساختار در تاریخ‌نگاری زندیه هم تداوم یافت و در تاریخ‌گیتی‌گشا و گلشن مراد به عرصه ظهور و بروز رسید. این نقص را می‌توان به مطرح نبودن مباحث اجتماعی و اقتصادی در سنت تاریخ‌نگاری ایرانی (تا دوره مورد بحث) نسبت داد نه صرفاً تاریخ‌گیتی‌گشا؛ همچنین سنت تاریخ‌نگاری در این زمان روایی بود نه مسئله‌محور. بنابراین کم توجهی به مسائل اجتماعی و تاریخ اقتصادی امری بدیهی بود.

اصل بنیادین در نگاه متون تاریخی عصر زندیه به پادشاهان این سلسله به ویژه کریم‌خان منشأ آسمانی حکومت آنهاست (رنجبر، ۱۳۸۹: ۶۰). از این رو، میراث نیرومند ظل‌اللهی همچنان در تاریخ‌نگاری این عصر برای مشروعیت بخشیدن به پادشاه استوار بود. همچنین در بررسی و تفحص در متون دوره زندیه خبری از موضوع، تعریف، چیستی و غایت تاریخ به عنوان یک علم و معرفت نیست.

تاریخ گیتی‌گشا، دربردارنده‌ی وقایع ظهور خاندان زند تا سقوط این سلسله است، وقایع مربوط به جعفر خان و دوران بعد، توسط شریف و محمدرضا شیرازی تکمیل شده است، آنچه به عنوان تاریخ گیتی‌گشا مرسوم شده است، مطابق معمول با مدح و ثنا و کنایات و استعارات اغراق‌آمیز شروع می‌شود و سپس وقایع پس از مرگ نادر در ایران را توضیح می‌دهد. آنگاه به جان‌نشینان نادر می‌پردازد و بلافاصله اصل و نسب طایفه‌ی زند را شرح می‌دهد (شایسته، ۱۳۸۲: ۶۶).

### سبک نگارش نامی اصفهانی در تاریخ گیتی‌گشا

یکی از دلایل اهمیت سبک‌شناسی و شناخت سبک وقایع‌نگاران و تاریخ‌نگاران در این است که این «سبک فردی» اشخاص است که سبک هر دوره را می‌سازد و به آن روح و جلای ویژه‌ای می‌دهد و باعث تمایز سبک هر دوره و مقطع زمانی می‌شود. سؤالی که جای بحث دارد این است که سبک چیست؟ از نظر دکتر زرین‌کوب «سبک عبارت است از شیوه خاص در نزد هر گوینده. تعبیر صادقانه‌ای است از طرز فکر و مزاج طبع او» (زرین‌کوب، ۱۳۸۳: ۱۷۵). همچنین سبک را «وحدتی که در آثار کسی به چشم می‌خورد، یک روح یا ویژگی یا ویژگی‌های مشترک و مکرر در آثار کسی دانسته‌اند» (شمیسا، ۱۳۷۳: ۱۳). نکته مهمی که در بررسی سبک‌شناسی دوره‌های ادبیات باید به آن توجه کرد، تحولات سیاسی جامعه است. چنان‌چه «عمده‌ترین عامل تغییر سبک، تغییر و تحولات اجتماعی است که باعث تغییر زندگی و بینش و در نتیجه ادبیات می‌شود، مثلاً هنگامی که غزنویان از سلجوقیان شکست خوردند و فرهنگ مشرق ایران (خراسان) به نواحی مرکزی ایران رسید، سبک نظم و نثر فارسی عوض شد» (همان: ۷۱). بنابراین سبک‌های ادبی در دوره تثبیت ساختارهای سیاسی و تمرکز حاکمیت است که شکل می‌گیرند. در حقیقت هر نوع حکومتی زبان حال مخصوص و سبک ویژه‌ای داشته و ظهور و افول ساختارهای سیاسی و تغییر حاکمیت‌های سیاسی با سبک ادبی رابطه‌ای مستقیم دارند.

بعد از انقراض صفویه سبک نثر رو به فساد گذاشت و چند شیوه برقرار شد: ۱- سبک ساده نویسی مانند سفرنامه و تذکره حزین و نوشته‌های آذر و غیره، ۲- سبک قدیم، مانند دره نادره و جهان‌گشای نادری تألیف میرزا مهدی‌خان استرآبادی و تاریخ گیتی‌گشا تألیف میرزا صادق نامی، ۳- سبک بینابین مانند مجمل‌التواریخ تألیف ابوالحسن گلستانه ابن محمد امین (بهار، ۱۳۴۹: ۳۱۰).

در تاریخ گیتی‌گشا شاهد به کاربردن سجع و تکلفات شاعرانه بسیاری هستیم که باعث دشواری در درک و فهم مطالب و گم شدن سررشته مطلب از دست خواننده می‌شود و علت آن را هم باید در مدح و ثنا گفتن از خاندان زندیه و اعاده جمله‌های تکراری در این باب دانست. در عصر نادر و کریمخان زند هنوز ادامه انحطاط ادبی مخصوصاً در نثر پیداست و تاریخ گیتی‌گشا مثال این امر است. این کتاب لبریز از غلط‌های دستوری است و ضعف تألیف را در اکثر صفحات آن می‌توان مشاهده کرد (همان: ۳۱۰).

به نظر می‌رسد نامی تلاش کرده تمام صنایع بدیعی و صناعات ادبی را در تاریخ گیتی‌گشا به کار برد و با این کار قدرت خود را در انشا نشان دهد و استعداد و نویسندگی و مراتب عمق معلومات خویش را در ترسل و منشیگری به رخ معاصرانش بکشد (نویسی، ۱۳۹۳: ۲۰۸).

وقایع‌نگار و مجلس‌نویس از مصادر و مناصب مهم در دربار زندیه به شمار می‌آمدند. گاهی اوقات وقایع‌نگار در غیبت وزیر، عهده‌دار وظایف او بوده است. زمانی نیز شغل او تنظیم صورت جلسات و ثبت و نوشتن مذاکرات بوده است (قدیانی، ۱۳۸۴: ۱۳۴). یکی از ویژگی‌های وقایع‌نگاری و تاریخ‌نویسی سنتی در ایران این است که مورخ و وقایع‌نگار جایگاه و شأن مستقلی ندارد. نام مورخان و آثار تاریخ‌نویسی آن‌ها تحت الشعاع و در ذیل وجه ادبی و آثار ادبی آنان قرار می‌گیرد. تاریخ‌نویسی در میان دانش‌های سنتی همواره ذیل ادبیات قرار داشته است و از این رو مورخان سنتی ایران عمدتاً و در درجه نخست، شاعر و ادیب بوده‌اند و سپس به تاریخ‌نویسی پرداخته‌اند (شکوری، ۱۳۷۱: ۵۴). نامی هم از این قاعده مستثنی نبوده و حوادث



تاریخی را با عبارت پردازی‌ها و خصایص شاعرانه همراه می‌کند و در این کار چنان دچار افراط شده که گویا دغدغه اصلی‌اش فارغ از هر نوع نگرش و بینشی صرفاً بیان رخدادها و وقایع سیاسی با قلمی ادیبانه است؛ و همین سبک و شیوه است که به دوره قاجاریه پیوند می‌خورد.

نامی به تناسب سخن و موضوع از آیات قرآنی و شعر و اصطلاحات و عبارات و امثال و حکم استفاده کرده و همچنین سال‌های وقایع را به فارسی و به ترکی، برای مثال «توشقان نیل» (نامی: ۶۶) و «لوی نیل» (همان: ۵۴) ذکر کرده است. اما ویژگی بسیار مهمی که به صورت بارز در تاریخ گیتی‌گشا نمایان است خصلت درباری و دولتی بودن آن است که سبب زیاده روی و اغراق در مدح و ستایش خاندان زند شده است. در جای جای کتاب از القاب و عناوین پرطمطراق برای کریم خان استفاده کرده است از جمله این که از او باعنوان «برگزیده رب جلیل» (همان: ۲۵۳) و «حضرت ظل الله گیتی پناه» (همان: ۲۱) و «ظل الله» (همان: ۳۸-۳۹) نام برده است. همچنین او در مقدمه گیتی‌گشا در مورد تألیف کتاب به دستور محمد جعفر خان زند و در بیان القاب او چنین می‌گوید:

«... درین اوان سعادت نشان که زمان دولت و اوان شوکت داور دارا افسر، سکندر فریدون فر، خدیو قضا مطیع، قدر، چاکر، دارای جم شکوه، ... برگزیده حضرت داور المؤید بتأیید الملک الاکبر، ابوالفضل محمد جعفرخان زند، دوحه سراستان این سلسله ارجمند و نوگل گلزار این فرقه‌ی سربلندست، این حقیر خاکسار و ذره‌ی بی‌مقدار، محمد صادق الموسوی متخلص بنامی ... به فرمان واجب الاذعان این ملک آرای بی‌نظیر مأمور گردید که لآلی وقایع دولت این خدیو کامگار ... را به تفصیل در سلک تحریر و رشته نظم کشیده، جمیع کلیات و جزئیات را مدون ساخته...» (همان: ۳).

### عینیت تاریخی در تاریخ گیتی‌گشا

مفهوم عینیت در تاریخ عبارت است از: «گزارش و توصیف دسته‌ای از رویدادها یا اوضاع، فقط بر حسب خود موضوع و فارق از هرگونه تأثر شناسنده یا شخصی که آن گزارش را روایت می‌کند، می‌نویسد و می‌خواند و یا باور می‌کند» (استنفورد، ۱۳۸۴: ۹۸). به عبارت دیگر عینیت از پیچیده‌ترین و بحث‌برانگیزترین مباحث معرفت‌شناسی تاریخی است که با مقوله‌های گزینش، داوری، بی‌طرفی و ارزش‌پذیری در تاریخ همراه است.

در فلسفه کلاسیک عینیت بیشتر مطابق با واقع به کار می‌رود، اما در فلسفه جدید بیشتر به معنی قابل تصدیق همگانی یا آزمون‌پذیری بین‌الذهانی به کار می‌رود (مفتخری، ۱۳۹۰: ۶۳). زرین‌کوب عینیت در تاریخ را امری نسبی می‌داند که تابع احوال مورخ و اسناد است، وی با ذکر جمله‌ای از سیسیرو در رابطه با عینیت شرط وصول به عینیت را گفتن حقیقت می‌داند، از این‌رو عینی‌ترین تاریخ را نیز آلوده به ذهن‌گرایی می‌داند (زرین‌کوب، ۱۳۸۸: ۱۲۲).

نامی تلاش کرده است که از میان داده‌های تاریخی آنچه را که به حقیقت نزدیکتر است بنویسد، بنابراین آن قسمت از عینیت را که مطابقت با واقع است رعایت کرده است. اما همانطور که گفته شد عینیت با بی‌طرفی و ارزش‌پذیری در تاریخ نیز همراه است، جز در بیان بعضی از حوادث مثل ذکر نابکاری‌های زکی‌خان زند، نامی تلاشی برای رسیدن به عینیت و بی‌طرفی در رویدادهای تاریخی نکرده است. در این راستا اثر او خالی از رعایت انصاف نسبت به دشمنان خاندان زند است. چنانچه وقتی از مهنا یاد می‌کند از او با عنوان «مفسد غدار» نام می‌برد و کریم‌خان زند را «شناسای عیار هر نیک و بد» می‌داند. این موضوع را می‌توان به حضور نامی در دستگاه دیوانی خاندان زند تعمیم داد زیرا موقعیت زمانی و مکانی مورخ گرایش او را به سمت و سوی خاصی معین می‌کند.

بنابراین دستیابی به عینیت در تاریخ امری نسبی و تابع شرایط مورخ است. زیرا مورخان در درون جوامع تاریخی زندگی می‌کنند، در منافع آن سهیم هستند و برای آنان می‌نویسند، اگرچه

به دنبال حقیقتی عینی هستند اما درجه عینیتی را که می‌توانند برای گزارش‌های خود ادعا کنند، باید به شیوه‌های مختلف پذیرای نسبت باشد (پومپا، ۱۳۸۳: ۲۴۴).

### علیت تاریخی

رابرت آیودی بر این نظر است که: «علیت به رابطه‌ای که بین علت و اثر وجود دارد یا ایجاد کردن اثر اطلاق می‌شود که این اثر ممکن است حادثه یا موقعیت یا موضوع باشد» (Audi, 1999: 125). بحث از علیت تاریخی به این جهت مطرح است که از مورخان انتظار می‌رود نه تنها نشان دهند چه چیزی روی داده است، بلکه به تبیین آن نیز بپردازند. این به معنای ذکر علت یا علل مفروض آن رویداد است (Stanford, 1998: 85). در رخداد‌های علی هیچ عامل واحدی به تنهایی برای وقوع یک اتفاق، ضروری نیست و نتیجه به وسیله ترکیبی از عوامل وابسته به هم حاصل شده است (لیتل، ۱۳۸۹: ۹). سلسله مراتب علل اهمیت یک علت یا دسته‌ای از علت‌ها نسبت به علت‌های دیگر، جوهر تفسیر مورخ است (کار، ۱۳۸۷: ۱۴۶).

بررسی تاریخ گیتی‌گشا نشان‌دهنده وجود حاکمیت اندیشه مشیت الهی در آن است. نامی با اعتقاد به این اندیشه در نگارش گیتی‌گشا جلو رفته و همین اعتقاد باعث شده در حوزه تعلیل و تحلیل وقایع ضعیف عمل کند و کمتر به کشف و شناسایی روابط علی موجود بین حوادث بپردازد. از این رو این ضعف، ضعف دیگری را با خود به همراه آورده است و آن عدم وجود نگاه انتقادی در وقوع رویدادها و وضعیت سیاسی - اجتماعی زمانه‌اش است. این رویکرد در تاریخ‌نگاری، از نامی مورخی درباری و شخصیتی محافظه‌کار ساخته بود. برای مثال در گیتی‌گشا علت قتل تراب‌خان چگنی که از کشیک‌چیان دربار کریم‌خان بوده و میرزا عقیل اصفهانی، از دیوانیان عالی رتبه (نامی: ۱۱۶) مشخص نمی‌شود و با تعبیر «ضمیر منیر سلاطین آیین‌های از حقیقت و گنجینه اسرار احکام قضا و محل اشراق انوار هداست» (همان: ۱۱۶) و با سخن گفتن از رازدانی پادشاه از مسئله عبور می‌کند.

### نتیجه‌گیری

تاریخ‌نگاری نامی اصفهانی در تداوم و ادامه سنت تاریخ‌نگاری مورخان دوره صفوی است. جبرگرایی تاریخی یکی از محورهای اصلی تاریخ‌گیتی‌گشا است، نامی پادشاه را محور همه امور می‌داند و برای مردم در وقوع رویدادها نقشی قایل نیست و مردم را بازیگرانی فاقد نقش و اراده می‌داند. اعتقاد به مشیت الهی و تقدیرگرایی در سرتاسر کتاب موج می‌زند و این مهم به دلیل تسلط علوم نقلی بر علوم عقلی و همچنین میراث بسیار قوی و مسلطی از تفکرات تقدیرگرایانه که در تاریخ‌نگاری مورخان بزرگ اسلام و ایران وجود داشته است، می‌باشد. این امر در دوره صفوی به دلیل پایگاه صوفیانه و دینی که داشتند عمیق‌تر شد.

اعتقاد به مشیت الهی، نامی را از پرداختن به بحث علت و معلول در رویدادهای تاریخی، تحلیل این رویدادها و تاثیر آنها بر زندگی مردم غافل کرده است و همین امر دیدگاه انتقادی که از ملزومات کار مورخ است را از او گرفته است و صرفاً او را به وقایع نگاری تبدیل کرده است که فقط حوادث را ضبط کرده است و تلاشی برای تبیین و تحلیل وقایع نمی‌کند. تلاش نامی در گیتی‌گشا ضمن بیان رویدادهای سیاسی در توجیه و مشروعیت بخشی به حاکمیت خاندان زند است و در این راستا القابی چون ظل الله و برگزیده رب جلیل به کریم‌خان زند می‌دهد و بر تداوم اندیشه ظل‌اللهی و فره ایزدی که به پادشاه اعطا شده است، دامن می‌زند. فردگرایی و نخبه‌گرایی از محورهای اصلی تاریخ‌گیتی‌گشا است. از این رو به رازدانی پادشاه در امور مردم و حکومت بر جامعه اشاره می‌کند و تلاش می‌کند نشان دهد که فقط پادشاه است که مصلحت مردم را می‌داند و بیان می‌کند: «صاحب کشوران جهانبان گله خالق جهان را شبانند» (همان: ۲۳۲).

از لحاظ سبک و نوع نگارش نیز باید افزود نامی با این که از مورخان دوره گذار (گذار از دوران انحطاط و فترت تاریخ نویسی به تاریخ نویسی جدید) است، ولی از خصلت دوگانه این

دوره بی‌بهره است و همچنان به سبک سنتی و کهن وفادار است و دنباله رو سبک هندی می‌باشد.

### منابع و مأخذ

- آدمیت، فریدون (۱۳۴۶). *انحطاط تاریخ‌نگاری در ایران*، سخن، ش ۱، صص ۱۷-۳۰.
- آرام، محمد باقر (۱۳۸۶). *اندیشه تاریخ‌نگاری عصر صفوی*، تهران: امیرکبیر.
- آیدین، شادی (۱۳۸۵). *عناصر فرهنگ و ادب ایرانی در شعر عثمانی (از قرن نهم تا دوازدهم هجری)*، تهران: امیرکبیر.
- آقاجری، هاشم؛ زرگری نژاد، غلامحسین؛ حسینی، عطاءالله... (۱۳۸۰). *تأملاتی در علم تاریخ و تاریخ‌نگاری اسلامی*، به کوشش حسن حضرتی، تهران: نقش جهان.
- استنفورد، مایکل (۱۳۸۴). *درآمدی بر فلسفه تاریخ*، ترجمه احمد گل محمدی، تهران: نشرنی.
- بهار، محمد تقی (۱۳۴۹). *سبک‌شناسی*، ج ۳، تهران: امیرکبیر.
- پومپا، لیون (۱۳۸۳). *نگرش‌های نوین در فلسفه*، ج ۲، ترجمه مسعود صادقی، قم: کتاب طه.
- دنبلی، عبدالرزاق (۱۳۴۲). *تذکره نگارستان دارا*. به کوشش دکتر ع. خیام پور. ج ۱. تبریز: کتاب آذربایجان.
- رنجبر، محمد علی (۱۳۸۹). *رابطه نهادسیاسی و مذهب در حکومت زندیه: دوره تعامل محدود*، مجله تاریخ اسلام و ایران، ش ۵، صص ۵۷-۸۴.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۸۳). *از گذشته ادبی ایران*، ج ۲، تهران: سخن.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۸). *تاریخ در ترازو*، تهران: امیرکبیر.
- سامی، شمس‌الدین بن خالد (۱۳۱۶-۱۳۰۶). *قاموس اعلام*، ج ۶، استانبول: مهران.
- سامیاران، شارل (۱۳۷۰). *روش‌های پژوهش در تاریخ*، ج ۱، ترجمه‌ی ابوالقاسم بیگناه، تهران: امیرکبیر.
- شایسته، فریدون (۱۳۸۲). «نگاهی به کتاب تاریخ گیتی‌گشا در تاریخ خاندان زند»، *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*. ش ۶۶-۶۷، صص ۶۶-۶۸.
- شکوری، ابوالفضل (۱۳۷۱). *جریان‌شناسی تاریخ‌نگاری‌ها در ایران معاصر*، قم: بنیاد انقلاب اسلامی ایران.

- شمیسا، سیروس (۱۳۷۳). *کلیات شناسی*، ج ۲، تهران: فردوس.
- فسایی، حاج میرزا حسن (۱۳۶۷). *فارسانامه ناصری*، تصحیح دکتر منصور رستگار فسایی، ج ۲، تهران: امیرکبیر.
- فی، براین (۱۳۸۳). *پارادایم شناسی علوم انسانی*. ترجمه مرتضی مردیها. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- قدیانی، عباس (۱۳۸۴). *تاریخ فرهنگ و تمدن ایران در دوره افشاریه و زندیه*. تهران: فرهنگ مکتوب.
- کار، ای.اچ (۱۳۸۷). *تاریخ چیست*، ترجمه حسن کامشاد. تهران: انتشارات خوارزمی.
- لیتل، دانیل (۱۳۸۹). «فلسفه تاریخ چیست؟». ترجمه حمید کوزی، *مجله اطلاعات حکمت و معرفت*، ش ۴، صص ۴-۱۰.
- مفتخری، حسین (۱۳۹۰). «سودمند زیان بخش، در باب کاربرد نظریه در تاریخ»، *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*، ش ۱۶۱، صص ۲-۵.
- موسوی نامی، محمدصادق (۱۳۶۳). *تاریخ گیتی‌گشا*، مقدمه سعید نفیسی، تهران: اقبال.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۱). *وامق و عذرا*، به کوشش رضا انزابی نژاد و غلامرضا طباطبایی مجد، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- نوایی، عبدالحسین (۱۳۹۳). *متون تاریخی به زبان فارسی*، تهران: سمت.
- Audi, Robert (1999). *The Cambridge Dictionary Of Philosophy*. London: Cambridge.
- Stanford.Micheal (1998). *An Introduction To The Philosophy Of History*. U.S.A:Blackwell Publishing Ltd.